

بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی عاشورایی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد دستاران، کارشناس مذهبی:

عاشورا فراتر از تاریخ، الگویی جاودانه برای عزت‌مندان زبستان است

محبوبه قربانی

در ماه محرم الحرام، ماه حماسه و سوگواری حسینی، بار دیگر دل‌ها به سوی کربلا و پیام جاودانه عاشورا روانه شده است. عاشورایی که نه فقط یک واقعه در تاریخ، بلکه مکتبی برای زیستن آگاهانه، عزتمندانه و مسئولانه است. در همین زمینه در گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد دستاران، کارشناس معارف دینی و عاشورایی تلاش شده است تا دل‌ها را از این نهضت تاریخی، مؤلفه‌های یک سبک زندگی امروزی استخراج شود. سبکی که بر بصیرت، عزت، مسئولیت‌پذیری، وفاداری و ایثار استوار است و می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی باشد.

سال‌هاست شعاع «عاشورا» طنین‌انداز است، اما بسیاری از مردم به‌ویژه نسل جوان، عاشورا را بیشتر شبیه به یک «واقعه تاریخی» در گذشته می‌بینند که اتفاق افتاده و تمام شده است. اگر بخواهیم این نگاه را تغییر دهیم و آن را به یک «سبک زندگی» عملی و روزمره تبدیل کنیم، مهم‌ترین مؤلفه‌های این سبک زندگی عاشورایی چیست؟



در پاسخ به این سؤال ابتدا باید گفت، سبک زندگی عاشورایی بر سه محور اصلی استوار است: بصیرت در شناخت حق، شجاعت در دفاع از حق و اخلاص در عمل به حق. سایر مؤلفه‌ها و شاخه‌های این سبک زندگی در حقیقت جلوه‌ها و نمودهای همین سه اصل بنیادین هستند. در فرهنگ شیعه و بلکه در نگاه مسلمانان، عاشورا یک رخداد تاریخی صرف نیست، بلکه «الگوی زیستن» تلقی می‌شود؛ الگویی که می‌توان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و رفتارهای کاربردی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی را از آن استخراج کرد و در زندگی امروز به کار بست. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی عاشورایی، حق‌محوری و حقیقت‌جویی است. از نگاه عاشورا، معیار تصمیم‌گیری انسان، منفعت شخصی، شهرت، مصیحت‌اندیشی‌های زودگذر یا حتی همراهی اکثریت افراد نیست، بلکه «حق» است. امام حسین(ع) در نهضت عاشورا نشان داد که حاضر نیست برای حفظ موقعیت، آسایش، امنیت یا منفعت خود یا آنچه ناقص است، ایستادگی کند. جمله معروف و تاریخی «هنلی لایباج مثل یزید» تجلی همین نگاه حق‌محور است؛ نگاهی که حق را بر هر منافع دیگری مقدم می‌داند. نمونه بارز این رویکرد در دوران معاصر را می‌توان در سیره سیدنا القائد شهید امام خاتمی‌ها (قدس الله سره) مشاهده کرد که ترمیم را حتی شایسته مبادله پیام نیز نمی‌دانست. این نگاه، ریشه در همان اصل حق‌محوری دارد. اصلی که بر پایبندی به عدالت‌خواهی، ایستادگی بر ارزش‌ها و دفاع از حقیقت حتی در دشوارترین شرایط تأکید می‌کند و اجازه نمی‌دهد انسان برای کسب منفعت یا دفع تهدید، اصول خود عقب‌نشینی کند.

اشاره‌ها شما به سیره رهبری معظم انقلاب، نقطه عطفی در فهم عمیق این حق‌طلبی است، اما فراتر از سیاست، در زندگی روزمره و روابط انسانی، پیام دیگری از عاشورا وجود دارد که به «عزت و کرامت انسانی» بر می‌گردد. امام حسین(ع) چگونه مرز میان «زندگی با ذلت» و «مرگ با عزت» را ترسیم کردند و این درس‌ها را در سبک زندگی کاربردی در حفظ کرامت انسانی در جامعه امروز دارد؟

عزت و کرامت انسانی یکی دیگر از مهم‌ترین و مشهورترین پیام‌های عاشورا است. نهضت امام حسین(ع) به ما می‌آموزد که انسان نباید برای دستیابی به منافع کوتاه‌مدت، آسایش زودگذر یا حفظ موقعیت‌های دنیوی، کرامت و عزت خود یا دیگران را زیر پا بگذارد. در سبک زندگی عاشورایی، عزت انسانی ارزشی است که با هیچ منفعتی قابل معامله نیست. انسان عاشورایی شخصیتی عزتمند دارد، در برابر ظلم، تحقیر و بی‌عدالتی تسلیم نمی‌شود و حاضر نیست برای رسیدن به خواسته‌های خود، شأن و کرامت انسانی را نادیده بگیرد. این مؤلفه تنها به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه در روابط خانوادگی، محیط کار، تعاملات اجتماعی و حتی تصمیم‌های روزمره زندگی نیز کاربرد فراوان دارد. احترام متقابل در خانواده، حفظ حرمت دیگران، برهیز از رفتارهای تحقیرآمیز و دفاع از حقوق انسان‌ها، همگی از جلوه‌های عملی این اصل مهم به‌شمار می‌روند.

امام حسین(ع) در اوج این عزتمندی فرمودند: «قُلِّبِ لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَرْمًا» «به درستی که من مرگ را جز سعادت نمی‌بینم و «هی» با ستمکاران را جز رنج و محنت نمی‌دانم»

(تحف العقول، ص ۲۴۵) همچنین آن حضرت فرمودند: «مَوْتُ فِي عَزِّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ» «مرگ با عزت برتر از زندگی با ذلت است» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲، ج ۴) این سخنان نشان می‌دهد که از منظر عاشورا، ارزش حقیقی زندگی در حفظ عزت و کرامت انسانی است و انسان مؤمن نباید برای حفظ زندگی ظاهری، تن به خواری، ظلم‌پذیری و از دست دادن شرافت انسانی بدهد.

چگونه می‌توانیم با الهام از عاشورا از «بی‌تفاوتی» به «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» دست پیدا کنیم؟

همانطور که می‌دانیم، عزت فردی بدون توجه به جامعه معنا ندارد. یکی از چالش‌های جدی امروز ما، بی‌تفاوتی و انزوای ملی است؛ در حالی که عاشورا انسان را به بی‌تفاوت نبودن دعوت می‌کند. در مکتب عاشورا، انسان تنها مسئول خود و زندگی شخصی‌اش نیست، بلکه نسبت به سرنوشت جامعه نیز احساس تعهد و مسئولیت می‌کند. بر همین اساس، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم و تلاش برای اصلاح امور اجتماعی از مهم‌ترین جلوه‌های این مسئولیت‌پذیری به‌شمار می‌رود. انسان مؤمن نمی‌تواند نسبت به مشکلات، آسیب‌ها و سرنوشت اطرافیان و جامعه خود بی‌اعتنا باشد. این نگاه ریشه در آموزه‌های دینی نیز دارد؛ چنانکه در حدیثی آمده است: «مَنْ أَسْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ «آنکه صبح کند و دغدغه مسلمانان را نداشته باشد، مسلمان نیست.» (کافی، ج ۲، ص ۱۶۳)

در فرهنگ عاشورا، «آزادی و آزادی» چه تعریفی دارد؟ آیا این آزادی فراتر از فشارهای بیرونی، شامل آزادی درونی از اسارت‌های نفسانی نیز می‌شود؟

آزادی و آزادی در فرهنگ عاشورا به این معناست که انسان اسیر هواهای نفسانی، ترس، طمع یا فشارهای اجتماعی نشود. فرد آزادش کسی است که تصمیم خود را آگاهانه و براساس ارزش‌های انسانی و الهی بگیرد، نه تحت تأثیر خواسته‌های نادرست یا فشار دیگران. امام حسین(ع) در روز عاشورا خطاب به سپاه دشمن فرمودند: «بِأَشْيَعِ آلِ شَيْفَانٍ! إِنْ لَمْ يَكُنْ لَدَيْكُمْ دَبٌّ وَ كُنْتُمْ لَا تَخْفَوْنَ الْمَاعَةَ كَقَوْنِوَا أَحْرَارًا فِي ذُنُوبِكُمْ» (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۱) یعنی اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی‌ترسید، دست کم در دنیای خود آزاده باشید.

این سخن نشان می‌دهد، مردم کوفه چنان در ورطه بی‌دینی و دنیاطلبی گرفتار شده بودند که امام حسین(ع) دیگر از آنان انتظار رفتار دیندارانه نداشتند، بلکه از آنها می‌خواستند به حداقل اقتضات انسانی و فطری پایبند باشند. آن حداقل، آزادی است، یعنی انسان حق را فدای منافع شخصی، ترس، طمع یا خواسته‌های دیگران نکند و در هر شرایطی کرامت و شرافت انسانی خود را حفظ کند.

میان این‌ها حجم از فشارها و تبلیغات گسترده دشمنان، چطور می‌توان هوشیار ماند؟ نقش «بصیرت» در سبک زندگی عاشورایی چگونه تعریف می‌شود و چرا امام حسین(ع) بر آگاهی و برهیز از پیروی کورکورانه تأکید ویژه‌ای داشتند؟

سبک زندگی عاشورایی بر پایه بصیرت، آگاهی، شناخت درست، تفکر نقادانه و برهیز از پیروی کورکورانه شکل می‌گیرد. عاشورا به ما می‌آموزد که انسان نباید بدون شناخت و بررسی، تحت تأثیر فضای عمومی، شایعات یا تبلیغات قرار گیرد، بلکه باید با آگاهی و تحلیل درست، مسیر حق را تشخیص دهد. بسیاری از کسانی که در برابر نهضت عاشورا فرار گرفتند، دچار غفلت، فریب تبلیغات دشمن یا تحلیل نادرست از شرایط شده بودند. آنها حقیقت را آنگونه که بود، نمی‌شناختند و به همین دلیل در جهه باطل قرار گرفتند. از این رو، یکی از مهم‌ترین درس‌های عاشورا این است که انسان همواره قدرت تشخیص حق از باطل را در خود تقویت کند و تصمیم‌های خود را بر پایه آگاهی، بصیرت و شناخت صحیح از واقعیت‌ها بگیرد.

اگر بخواهیم عاشورا را به یک سبک زندگی تبدیل کنیم، می‌توان آن را در سه محور اصلی خلاصه کرد؛ رابطه در دست با حقیقت از طریق حق‌طلبی و بصیرت، آزادی و معنویت و رابطه در دست با دیگران با تکیه بر عدالت، مسئولیت‌پذیری، وفاداری و ایثار. با این نگاه، عاشورا تنها یک رویداد تاریخی نیست، بلکه مدرسه‌ای همیشگی برای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان است



“

در فرهنگ عاشورا، معنویت از مسئولیت اجتماعی جدا نیست. دعای اخلاق، خدمت به مردم، دفاع از حق و عدالت‌خواهی در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. معنویت عاشورایی انسان را نسبت به سرنوشت دیگران مسئول تر می‌سازد و بندگی خدا را با خدمت به مردم، حمایت از مظلوم و تلاش برای اصلاح جامعه پیوند می‌دهد

الطف، ص ۱۹۹) «به خدا سوگند که تو جدا نخواهیم شد، جان‌های ما فدای تو باد. با جان، چهره و دستان خود از تو دفاع خواهیم کرد.»

شاید بتوان «ایثار» را قلب تپنده عاشورا دانست. ایثار در کربلا به اوج خود رسید، اما در زندگی مدرن و مادی ما ایثار چه معنایی دارد؟ آیا ایثار فقط به معنای فداکاری‌های بزرگ و نادر است یا جلوه‌های کوچک‌تری نیز در زندگی روزمره دارد؟

ایثار و تعهد نیز از برجسته‌ترین ویژگی‌های باران امام حسین(ع) در واقعه عاشورا بود. آنان با وجود همه سختی‌ها، تهدیدها و خطر، دست از حمایت امام خود برنداشتند و تا آخرین لحظه بر عهد و پیمان خویش استوار ماندند. امام حسین(ع) در شب تاسوعا درباره باران خود فرمودند: «إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَحْصَاءَ أَوْفِي بِالْعَهْدِ وَ لَا خَيْرًا مِنْ أَحْصَاءِي» (بناهی المودة، ج ۳، ص ۶۵) «من یارانی باوفاتر و بهتر از باران خود نمی‌شناسم.»

سبک زندگی عاشورایی این درس بزرگ را به ما می‌آموزد که انسان در روابط فردی و اجتماعی خود اهل وفاداری و مسئولیت‌پذیری باشد. امروز نیز وفاداری به معنای پایبندی به عهد و پیمان، انجام مسئولیت‌های خانوادگی، حفظ دوستی‌ها، عمل به تعهدات شغلی و ایستادگی بر سر ارزش‌ها و باورهای درست است. نمونه‌های روشن این روحیه را در دوران معاصر نیز می‌توان مشاهده کرد. رزمندگان و امت اسلام، به‌ویژه مردم ایران در هشت سال دفاع مقدس وفاداری و ایثار، جز خود را فدای امام خویش نکردند. اظهارات ایثارگرانه اصحاب امام حسین(ع) در شب عاشورا مشهور است. طبرق نقلی، گروهی از یاران آن حضرت عرض کردند: «والله لا نغارتك و لكن انفسنا لک الفداء، نقیب بنحرونا و جباهنا و ایدینا...» (وقعه

“

عاشورا به ما می‌آموزد که خانواده تنها نهادی برای تولید نسل نیست، بلکه مهم‌ترین بستر تربیت انسان‌های مؤمن، آگاه، مسئولیت‌پذیر، مقاوم، وفادار و اهل بیت(ع)، خانواده کانون انتقال ارزش‌ها و مفاهیم دینی و عاشورایی است. به نسل‌های آینده به‌شمار می‌رود. در فرهنگ عاشورا، عبادت از زندگی اجتماعی جدا نیست. دعای اخلاق، خدمت به مردم، امر به معروف، دفاع از حق و تلاش برای تحقق عدالت، همگی اجزای یک منظومه واحد هستند. معنویت عاشورایی انسان را از جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی دور نمی‌کند، بلکه او را نسبت به سرنوشت دیگران حساس‌تر و مسئول‌تر می‌سازد. در این نگاه، بندگی خدا با خدمت به مردم، دفاع از مظلوم و تلاش برای اصلاح جامعه معنا پیدا می‌کند.

و در آخر...

استقامت آگاهانه را در برابر سختی‌های زندگی حفظ کنیم؟

صبر و استقامت مفهومی است که در گفتار، رفتار، جهاد و شهادت عاشوراییان به روشنی دیده می‌شود. سبک زندگی عاشورایی، صبر منغلانده و تسلیم شدن در برابر مشکلات نیست، بلکه استقامت آگاهانه در مسیر حق و پایداری بر ارزش‌هاست. انسان عاشورایی در برابر سختی‌ها، شکست‌ها، فشارها و تهدیدها از باورها و ارزش‌های خود دست نمی‌کشد و راه درست را ادامه می‌دهد.

امام حسین(ع) برای تقویت روحیه یاران خود، چشم‌اندازی روشن و امیدبخش از سرانجام صابران ترسیم می‌کرد. آن حضرت شهادت همراه با صبر و پایداری را پلی برای رسیدن به نعمت‌های الهی معرفی نمود و برای دلگرمی و انگیزه‌بخشی به یاران خود فرمود: «هَبْرَأَيْتِ الْكِرَامَ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ يُعْتَرَى بِكَمْ غَنَ الْبُؤْسُ وَالضَّرَّاءُ إِلَى الْجَنَّةِ الْوَاسِعَةِ وَ التَّعْيِيمِ اللَّذَائِفَةِ؛ صبر و مقاومت کنید ای بزرگ‌زادگان! زیرا مرگ چیزی جز پلی نیست که شما را از رنج‌ها و سختی‌ها عبور می‌دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت‌های همیشگی می‌رساند.»

این سخن نشان می‌دهد که صبر در نگاه عاشورایی، همراه با امید، هدفمندی و نگاه به آینده‌ای روشن است، نه تجملی از روی ناچاری و بی‌انگیزگی. امام حسین(ع) همچنین خانواده خود را نیز به صبر و بردباری دعوت می‌کرد و به آنان سفارش فرمود: «بتگریه اگر من کشته شدم، به خاطر من گریبان چاک ندهید و صورت مخراشید.» این سفارش بیانگر آن است که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز باید صبر، مننات و حفظ کرامت انسانی را سرلوحه رفتار خود قرار داد.

امروز نیز این درس بزرگ عاشورایی می‌تواند راهنمای زندگی ما باشد. در مشکلات اقتصادی، چالش‌های خانوادگی، فشارهای اجتماعی و همه دشواری‌های زندگی، صبر و استقامت به معنای تسلیم نشدن، حفظ امید، ادامه مسیر درست و پایبندی به ارزش‌هاست. چنین صبری است که انسان را از بحران‌ها عبور می‌دهد و زمینه رشد، موفقیت و آرامش حقیقی را فراهم می‌سازد.

اگر بخواهیم نقش «خانواده» و «معنویت» را در این سبک زندگی بررسی کنیم، می‌توان گفت که نهضت عاشورا یک پروژه تربیتی و فرهنگی نیز بود. چگونه می‌توانیم خانواده‌های خود را به کانون‌هایی برای پرورش نسل‌های آگاه و وفادار تبدیل کنیم؟

حضور زنان و کودکان در نهضت عاشورا نشان می‌دهد که این حرکت تنها یک قیام سیاسی نبود، بلکه یک جریان بزرگ تربیتی، فرهنگی و تمدن‌ساز نیز به‌شمار می‌رفت. در این میان، نقش حضرت زینب(س) در تبیین، روشنگری و انتقال پیام عاشورا بسیار برجسته است. اگر خطبه‌ها، روشنگری‌ها و مجاهدت‌های حضرت زینب(س) و دیگر بازماندگان کربلا نبود، پیام عاشورا به نسل‌های بعد منتقل نمی‌شد. در همین زمینه این بیت مشهور به زیبایی نقش حضرت زینب(س) را بیان می‌کند: «سزنی ندر نیوا می ماند اگر زینب نبود / کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود.»

عاشورا به ما می‌آموزد که خانواده تنها نهادی برای تولید نسل نیست، بلکه مهم‌ترین بستر تربیت انسان‌های مؤمن، آگاه، مسئولیت‌پذیر، مقاوم، وفادار و عدالت‌طلب است. در گفتمان اهل بیت(ع)، خانواده کانون انتقال ارزش‌ها و مفاهیم دینی و عاشورایی به نسل‌های آینده به‌شمار می‌رود. باران وفای امام حسین(ع) نیز در دامان همین خانواده‌های مؤمن و تربیت‌یافته پرورش یافته بودند.

از دیگر ویژگی‌های سبک زندگی عاشورایی، پیوند میان معنویت و مسئولیت اجتماعی است. در فرهنگ عاشورا، عبادت از زندگی اجتماعی جدا نیست. دعای اخلاق، خدمت به مردم، امر به معروف، دفاع از حق و تلاش برای تحقق عدالت، همگی اجزای یک منظومه واحد هستند. معنویت عاشورایی انسان را از جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی دور نمی‌کند، بلکه او را نسبت به سرنوشت دیگران حساس‌تر و مسئول‌تر می‌سازد. در این نگاه، بندگی خدا با خدمت به مردم، دفاع از مظلوم و تلاش برای اصلاح جامعه معنا پیدا می‌کند.

اگر بخواهیم عاشورا را به یک سبک زندگی تبدیل کنیم، می‌توان همه آموزه‌های آن را در سه محور اصلی خلاصه کرد؛ نخست، رابطه درست با حقیقت که در حق‌طلبی، بصیرت و شناخت صحیح حق از باطل جلوه می‌یابد. دوم، رابطه درست با خود که بر عزت‌نفس، آزادی، خودسازی و معنویت استوار است. سوم، رابطه درست با دیگران که در عدالت‌خواهی، مسئولیت‌پذیری، وفاداری، ایثار و خدمت به مردم معنا پیدا می‌کند.

با چنین نگاهی، عاشورا از یک رویداد تاریخی صرف فراتر می‌رود و به «مدرسه‌ای دائمی برای زیستن» تبدیل می‌شود. مدرسه‌ای که پیام آن محدود به زمان و مکان خاصی نیست و می‌تواند در هر عصر و جامعه‌ای، راهنمای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان باشد.

